

عوامل تحول رویکردها در مطالعات قرآنی غرب*

محمدحسن زمانی* و ایثار حسین شاه***

چکیده

مطالعات قرآنی غربیان در طول تاریخ خود بر اثر عوامل مختلف فرهنگی، سیاسی و مذهبی تغییر رویکردی و انگیزه‌ای داشتند. بررسی تاریخی تغییر و تحول رویکردها و عوامل آن که تأثیر زیادی بر فهم و درک صحیح و بیشتر از سیر تطور مطالعات اسلامی و قرآنی غربیان دارد، در پژوهش دانش‌مندان اسلامی مورد غفلت قرار گرفته است. نوشتار حاضر با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای در صدد بیان سیر تاریخی تغییر و تحول رویکردها در مطالعات دوره‌های مختلف تاریخی غربیان و مهم‌ترین عوامل آن می‌باشد.

نوشتار حاضر تغییرات رویکردی مطالعات قرآنی غربیان را در دوره‌های شش‌گانه تاریخی مورد بررسی قرار داده و مهم‌ترین رویکردهای هر دوره را با ذکر عوامل پیدایش و تغییر آن، بیان نموده است و به این نتیجه رسیده است که رویکرد غالبی مطالعات مذکور از آغاز قرن هفتم تا قرن هفدهم میلادی بر اثر عوامل مختلف مذهبی هم‌چون تعصب و استقلال مطالعاتی کلیسا، سیاسی مانند تهدید امپراطوری عثمانی، شکست در جنگ‌های صلیبی و فرهنگی هم‌چون کم‌آگاهی از اسلام و قرآن و عدم توسعه فکری، به شدت جدلی و انتقادی بودند که با تغییر شکل‌های خود از انتقادات عمومی و کلی به تخصصی، اصالت انتقادی خود را حفظ کرده‌اند، اما رویکرد غالبی مطالعات قرآنی آن‌ها از قرن هجدهم به بعد بر اثر عواملی برخلاف عوامل پیشین، علمی و ملایم‌گشته و تا هنوز اصالت علمی خود را جز در دوره کوتاه نیمه اول قرن نوزدهم میلادی که بر اثر غلبه رویکرد استعماری کم‌رنگ شده بود حفظ کرده است.

واژگان کلیدی: مطالعات قرآنی، تغییر و تحول رویکردها، غربیان، عوامل

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸.

**دانشیار گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و عضو هیئت علمی پاره‌وقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی: mhzamani@yahoo.com
***دانش‌آموخته دکتری گروه تفسیر مدرسه عالی قرآن و حدیث مجتمع امام خمینی قم (نویسنده مسئول): shaheasar@gmail.com

مقدمه

مطالعات قرآنی غرب را می‌توان از جهت رویکردها و انگیزه‌ها به شش دوره تقسیم کرد. آن دوره‌ها عبارتند از:

دوره اول (از قرن هشتم یا نهم میلادی تا نیمه اول قرن دوازدهم میلادی)

درباره آغاز مطالعات قرآنی غرب دو نظریه عمده وجود دارند.

یک - آغاز مطالعات قرآنی غرب از زمان نزول قرآن کریم (قرن هفتم) بود (السفیانی، و من تابعهم و موافقهم من ثبات الشریعه، ۱۴۱۲: ۲).

دو - مطالعات قرآنی از قرن هشتم و نهم و با گسترش اسلام به مناطق دور دست در زمان حکومت بنی امیه آغاز شدند (بوزین، دائرة المعارف قرآن لایدن، ۲۳۶/۴) که نخستین حکومت اسلامی در اندلس و جزیره ایبری و اسپانیا بوده است (آیتی، اندلیس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، ۱۳۴۰: ۱-۴).

به نظر می‌رسد هر کدام از نظریه‌های فوق از جهتی صحیح می‌باشند، چون اگر منظور از غرب مسیحیت باشد ولو شرقی که نظر اول درست است، چون نخستین کار قرآنی را یوحنا الدمشقی اهل شام و نوه وزیر معاویه به نام منصور بن سرجون انجام داد و او خودش هم در دستگاه اموی منصبی داشت (حورانی، اسلام در تفکر اروپایی، ۱۳۷۷: ۱۵). او در کتابی به نام (درباره مذاهب) در صد و یکمین بابش فرقه اسماعیلی (مسلمانان) را معرفی کرده و در این زمینه از سوره‌های مختلف قرآنی بهره جسته و مطالب اختلافی و به عبارت دیگر متناسب با هدف و انگیزه‌اش (جدل و ردیه علیه، اسلام) را از قرآن کریم استخراج کرده است. او نخستین کسی بود که مسئله ازدواج پیامبر با زینب را با استدلال قرآنی به عنوان طعن و ردیه مهم علیه، اسلام و پیامبر اسلام را مطرح کرد و پس از آن توسط بسیاری از متکلمان مسیحی در غرب مطرح شد (همان). اما اگر منظور از غرب اروپا باشد و مسیحیان اروپایی مراد باشند نظر دوم درست است که با حضور چشم‌گیر مسلمانان در اسپانیا (جزیره ایبری) در اواخر قرن اول هجری (قرن هشتم میلادی) و باتشکیل نخستین حکومت اسلامی در غرب نخستین بار غربی‌ها با نزدیک از اسلام و قرآن آشنایی پیدا کردند و شروع به نگارش راجع به اسلام و قرآن کردند. اما تا زمان نگارش نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم که در نیمه قرن دوازدهم نوشته شد، اساس مطالعات اسلامی و قرآنی غربیان (اروپاییان) همان کارهای مسیحیت شرقی یا بیزانسی (اروپای شرقی) بودند (بوزین، پیشین، ص ۲۳۶) که مهم‌ترین آن رساله یوحنا الدمشقی و رساله الکندی بود.

مهم‌ترین رویکرد مطالعات قرآنی غرب در این دوره عبارت بود از:

رویکرد جدلی کلامی

تعریف: بررسی و نقد مسائل اعتقادی و کلامی اسلام به ویژه مربوط به پیامبر اسلام و مراجعه به قرآن برای دستیابی به شواهد و دلایل بدون ورود تخصصی به شئون قرآنی. در پژوهش‌های آغازین قرآنی غرب که احتمالاً در قرن هشتم و نهم میلادی در شبه جزیره ایبری (اسپانیا) صورت گرفتند (بوزین، ۲۳۸)، تا نیمه دوم قرن دوازدهم که نخستین ترجمه لاتینی قرآن (۱۱۴۲م) نگارش یافت و یک رویکرد جدیدی دنبال شد، رویکرد موجود در این دوره را می‌توان رویکرد جدلی کلامی نامید. مقصود ما از این نام‌گذاری این است که در پژوهش‌های این دوره سعی نویسندگان بر این بوده که مسایل کلی اعتقادی و کلامی اختلافی بین مسیحیت و اسلام هم‌چون عصمت پیامبر اسلام، تثلیث، تجسم یا حلول خداوند در عیسی علیه السلام و مصلوب شدن آن حضرت و غیره را با استشهادات اندک قرآنی که دانستند، نقد کنند تا به این وسیله اسلام و پیامبر اسلام را زیر سوال ببرند.

مهم‌ترین نمونه رویکرد مزبور اثر متکلم اسپانیایی و پپتر ربیع موسی سفاردی (Rabbi Moses Sephardi) متوفای ۱۱۳۰م که یکی از مهم‌ترین واسطه‌ای در انتقال فن و دانش عربی به غرب بود، می‌باشد. او در اثرش به نام (گفتگو در زبان بازی‌های کفرآمیز از طرف هم عقیده یهودیان) Dialogi in quibus impiae Judaeorum opiniones... confutantur) بسیاری از تعلیمات اسلامی را وارونه ذکر می‌کند و سعی دارد آن‌ها را با شواهد قرآنی اثبات کند (بوزین، ۲۳۸).

عوامل رویکرد مزبور

انحصار پژوهشی کلیسا

در این دوره زمانی کلیسا و متکلمان کلیسای غربی مطالعات قرآنی و اسلامی را به انحصار خود در آورده بوده‌اند و قدرت بلامنازعه کلیسا اجازه مطالعه و تحقیق درباره اسلام و قرآن را به هیچ کس جز خود نمی‌داد. بنابراین روشن است که رویکرد یک نویسنده متکلم از دین رقیب، رویکرد جدلی کلامی خواهد بود.

تکیه کامل بر مطالعات مسیحیت شرقی

تکیه نویسندگان غربی یا اسپانیایی این دوره بر پژوهش‌های اسلامی و قرآنی مسیحیت شرقی مانند رساله یوحنا، رساله الکندی شاید به علت عدم آگاهی زیاد از قرآن و اسلام و یا به خاطر تمایل به تقلید از هم کیشان خویش باعث گردید که رویکرد موجود در پژوهش‌های مسیحیت شرقی که رویکرد جدلی کلامی بوده است، در پژوهش‌های مسیحیت غربی (اروپایی) انعکاس

پیدا کند. رساله یوحنا دمشقی بنام (درباره مذاهب) غالباً در قرن نهم میلادی نگارش یافت (مونتگمری وات، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ۱۳۷۳: ۱۰۸). صدویکمین باب رساله مزبور به مذهب اسماعیلی‌ها (مسلمانان) اختصاص دارد (St. John of Damascus's critique of Islam). محتوای رساله راجع به معرفی پیامبر اسلام و قرآن کریم می‌باشد. نویسنده در این کتاب مهم‌ترین مسئله کلامی اسلام یعنی عصمت پیامبر گرامی اسلام را مورد نقد قرار می‌دهد و شواهدی بر بی‌عفتی پیامبر اسلام را با استنادات قرآنی ذکر می‌کند. مهم‌ترین شاهد را ازدواج پیامبر اسلام با زینب (همسر پسر خوانده) ذکر می‌کند. او همچنین مصدر قرآن کریم را مسیحیت معرفی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که اسلام یک فرقه انحرافی در درون مسیحیت همانند دیگر فرقه‌های انحرافی مسیحیت هم‌چون نسطوریان، دومینیک‌ها می‌باشد (حورانی، اسلام در تفکر اروپایی، ۱۳۷۷: ۱۵). رساله الکندی که به اسم رساله عبدالمسیح بن اسحاق الکندی الی عبد الله بن اسماعیل الهاشمی یا آپولوجی الکندی شهرت دارد، در سال ۲۱۵ق/ ۸۳۰م نگارش یافت (ریپین، اندرو، قرآن پژوهی در غرب، ترجمه سید علی آقایی، خردنامه، ۶۳/۲۰). محتوای رساله مزبور دفاعیات مسیحیت در مقابل انتقادات قرآنی بر عقائد مسیحیت می‌باشد. در این رساله مباحث کلامی هم‌چون تثلیث، تجسم و حلول در عیسی مورد بحث قرار گرفتند (مونتگمری وات، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ۱۳۷۳: ۱۰۸). نویسنده در دفاع از عقاید مزبور مسیحیت اصالت و وثاقت قرآن کریم را با طرح مباحثی هم‌چون شیوه جمع قرآن، وجود عبارات متناقض در قرآن، زیر سوال می‌برد. رویکرد عمده در پژوهش‌های شرقی قرآن رویکرد کلامی جدلی بوده است. مانند اینکه در قرن نهم میلادی متکلم اسپانیایی بنام یولیوس کوردوبایی (Eulogius of Cordoba) متوفای ۸۵۹م در اثرش بنام (مجموعه دفاعی شهید) (Liber apologeticus martyrum) آیه سی و هفتم سوره سی و سوم^[۱] را (نعوذ بالله) به عنوان دلیل بر زن‌پرستی پیامبر^[۲] ذکر کرد و کاملاً بر همان شیوه‌ای استدلال کرده است که قبل از آن دانش‌مندان مسیحی شرقی هم‌چون الکندی در رساله عربی خویش در قرن نهم میلادی و یوهان دومیسکی (یوحنا دمشقی) متوفای قبل از ۷۵۴م در اثر یونانی خویش بنام (درباره مذاهب) (Liber de haeresibus) مطرح کرده بود.

یولیوس علاوه از این نخستین بار در غرب شرحی بر قرآن کریم را نگاشت و در سال ۸۵۷م سوره احزاب را تا آیه ۳۷ ترجمه کرد (آلبن، زندگی نامه مقدس، بونزیگربروس (۱۸۹۴م). او به خاطر فعالیت خود علیه اسلام و قرآن در پایتخت حکومت اسلامی در اندلس (مینویل، اوسانا، دائرة المعارف کاتولیک، ۱۹۰۸: ۴) توسط حاکمان اسلامی به دار آویخته شد و به همین علت نزد مسیحیت لقب شهید^[۳] دارد (برت، صداهای مقدس، لونیلاپریس).

کم آگاهی از معارف قرآن کریم: علت دیگر این رویکرد احتمالا کم آگاهی دانش‌مندان غربی نسبت به زبان عربی و محتوا و معارف آیات قرآن بوده است. چون در آن زمان از طرفی قرآن کریم به زبان اروپایی ترجمه نشده بود و نخستین ترجمه قرآن در زبان لاتین در نیمه قرن دوازدهم صورت گرفت و از طرفی آموزش زبان عربی در دانشگاه‌ها یا مراکز آموزشی شروع نشده بود. لذا آنان ناچار بودند به مقداری که از محتوا و معارف آیات قرآن آگاهی داشتند در استشهاد گیری علیه نبوت محمد ﷺ به کار بندند و به همین خاطر در مطالعات قرآنی این دوره برخورد اجمالی با محتوا و معارف قرآن به چشم می‌خورد. تاریخ‌دان معاصر اروپایی و استاد تاریخ خاورمیانه در دانشگاه آکسفورد در این باره می‌نویسد: «به جز برخی استثنائات، مسیحیان اروپایی که در هزاره اول یا سالهای رویارویی به اندیشه ورزی در مورد اسلام پرداختند، قرآن را نمی‌شناختند. در واقع ترجمه لاتین قرآن کریم از سده دوازدهم به بعد در دسترس قرار گرفت. و مسیحیان اندکی هم که از قرآن خبر داشتند آنرا مشتمل بر انعکاس تحریف شده‌ای از داستان‌ها و مطالب کتاب مقدس می‌دانستند» (حورانی، اسلام در تفکر اروپایی، ۱۳۷۷: ۱۳).

دوره دوم (از نیمه دوم قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن پانزدهم)

نخستین بار در غرب قرآن کریم به صورت جدی و مستقل از نیمه قرن دوازدهم مورد مطالعه قرار گرفت. از این جهت رویکرد مطالعات قرآنی نسبت به دوره قبل تغییر یافت و احتمالا این رویکرد تا نیمه قرن پانزدهم که تهدید جدی ترکان عثمانی برای غرب مطالعات قرآنی را تحت تاثیر قرار داد و یک رویکرد جدید را در مطالعات قرآنی غرب به وجود آورد، ادامه داشته است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین و غالب‌ترین رویکرد این دوره رویکرد نقد مبنای و حیانت قرآن کریم بوده است. رویکرد انتقادی قرآنی

تعریف: نقد اصالت و وثاقت و مبنای و حیانت قرآن کریم

رویکرد مزبور را در پژوهش‌های قرآنی انجام شده از زمان نگارش اولین ترجمه لاتینی قرآن به دست کلیسا تا نیمه دوم قرن پانزدهم و زمان از بین رفتن امپراطوری مسیحیت شرقی به دست ترکان عثمانی می‌توان دید. در این دوره پژوهش‌های عمده قرآنی با رویکرد و انگیزه نقد مبنای و حیانت قرآن کریم صورت گرفتند و در این پژوهش‌ها سعی شده به وسیله اتهامات متعدد و حیانی بودن قرآن کریم را زیر سوال ببرند. عمده‌ترین فعالیت قرآنی در غرب از نگارش نخستین ترجمه قرآن کریم شروع شد و به همین علت بیشتر دانش‌مندان اسلامی و غربی آغاز مطالعات قرآنی غرب را از قرن دوازدهم می‌دانند، مانند این‌که مستشرق معروفی به نام رودی پارت می‌نویسد: «آغاز مطالعات اسلامی و عربی در اروپا برمی‌گردد به قرن دوازدهم میلادی که اولین ترجمه لاتینی قرآن کریم و اولین قاموس لاتینی عربی نگاشته شدند» (رودی، الدراسات الإسلامیه و العربیه فی الجامعات الألمانية، ۱۹۶۷: ۹).

و هم‌چنین قبل از رودی پارت مستشرق دیگری به نام گوستاف دوجا در کتاب (تاریخ المستشرقین فی اروپا من القرن الثانی عشر حتی القرن التاسع عشر) همان نظر را ارائه کرد که این کتاب در دهه شصت قرن نوزدهم میلادی در پاریس انتشار یافته است (زقزوق، الاستشراق و الخلفیة الفکرية للصراع الحضاری، بی تا: ۱۸-۱۹) لذا از این زمان دانش‌مندان غربی که عمده‌ترین آنان ارباب کلیسا بودند، برای شناخت بیشتر از قرآن پژوهش‌ها را انجام دادند تا با شناخت بیشتر مبنای و حیانت کتاب مقدس مسلمانان را نقد کنند (گفت‌وگو با مرتضی کریمی نیا، روزنامه اطلاعات، ۱۶ فروردین ۱۳۸۸ ش). مانند این که راهب دیر کلونی فرانسه پیترو مقدس پس از شکست در دومین جنگ صلیبی در مقابل راهب برنارد کلرو که رهبری دومین جنگ صلیبی را به عهده داشت، می‌کوشید تا مسیحیان را وادار کند که از در صلح و دوستی در آیند و اسلام را درست بشناسند و با شناخت نقاط ضعف در قرآن کریم و افشای آن در ارتداد مسلمانان یاری کنند (جعفریان، مقالات تاریخی، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

رویکرد مزبور در نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم و پژوهش‌های قرآنی پس از آن وجود داشت. دانش‌مندان و پژوهش‌گران غربی هم‌چون جرج سیل (خسرو شاهی، ترجمه قرآن به زبانهای اورپایی، ۱۳۶۸: ش ۲۸)، ریچارد بل (بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۳۸۲: ۲۵۹) و هارتموت بویزین (کریمی نیا، قرآن در عصر اصلاح طلبی و نواندیشی (مروری بر کتاب هارتموت بوبتسین)، ترجمان وحی، ۱۳۸۱: ۷۴) هم اعتراف کردند که هدف از مطالعات قرآنی و اسلامی این دوره ارتداد مسلمانان و لکه دار کردن مقدسات آنها بوده است.

عوامل رویکرد مزبور

عوامل عمده در رویکرد مزبور احتمالاً امور ذیل بوده‌اند:

مقابله علمی با اسلام

در این دوره در درون کلیسا افرادی پیدا شدند که برخلاف تفکر قبلی مسیحیت در مقابله با اسلام مبتنی بر اتهام زنی علیه، اسلام و حضرت محمد ﷺ، مقابله متفکرانه با اسلام را پیشنهاد می‌کردند. آنها فکر کردند برای پُر ثمر بودن اهداف کلیسایی باید توجه تمام خود را بر قرآن کریم متمرکز سازند و از طریق فهم قرآن کریم به اهداف تبشیری و تنصیری خود می‌رسند. به همین علت نخستین ترجمه لاتینی قرآن نزدیک به پنج قرن در انحصار کلیسا قرار داشت و برای ارباب کلیسا موقعیت فراهم آورد که محور پژوهش خود را به سمت قرآن کریم متوجه سازند. لذا از این به بعد رویکرد بررسی مستقیم قرآن به هدف مبنای و حیانت قرآن غلبه پیدا کرد و رده‌های متعدّد و

مفصل علیه قرآن توسط مسیحیان نگارش یافتند. مستشرق معروفی بنام فرانز روزنتال اطلاع یابی غربیان از قرآن به وسیله ترجمه لاتینی آن را برای نیل هدف فهم عمیق از تفکر دینی و کلامی مسلمانان می‌داند تا به این وسیله راهبان مسیحی قدرتی بر شناخت آن داشته باشند و از نکات ضعف در آن‌ها آگاهی یابند (المقدادی، الاسلام و شبهات المستشرقین، ۱۳۱۶: ۵۴). درباره هدف پیتر مقدس از نگارش نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم هم آمده است که او در اسلام خطر شدید فکری علیه مسیحیت را می‌دید لذا لازم دانست درباره اسلام شناخت پیدا کند تا از این راه بر آن غلبه پیدا کند (همان).

شکست در جنگ‌های صلیبی

احتمالاً عامل دیگری در این امر شکست مسیحیان در دومین جنگ صلیبی به دست مسلمانان بوده است. این امر باعث گردید کینه و تعصب مذهبی مسیحیان از اسلام و قرآن تشدید شود. قبلاً بیشتر تمرکز مطالعه آنان بر نبوت پیامبر اسلام بوده. اما از این به بعد مستقیم قرآن را مورد حمله قرار دادند و مبنای و حیانت قرآن را نقد کردند. طبقه رهبانی از دومینیک و فرانسیسک‌ها^[۴] پس از جنگ‌های صلیبی به هدف تغییر دادن دین مسلمانان آکادمی‌های زبان آموزی عربی را در اسپانیا و شمال آفریقا تاسیس کرده اند که بعداً فارغ التحصیلان همین آکادمی‌ها ردیه‌های مفصل علیه قرآن کریم تالیف نمودند (بوزین، مطالعات قرآنی تا سال ۱۸۰۰: ۲۴۰).

آگاهی از معارف قرآن

تا قبل از قرن یازدهم میلادی قرآن به زبان‌های اروپایی ترجمه نشده بود و چون کلیسائیان اطلاعی از آموزه‌های قرآن نداشتند زمینه‌ای نبود که ردیه مفصل علیه قرآن بنویسند، به همین جهت به جدال کلامی علیه نبوت حضرت محمد ﷺ اکتفا می‌کردند. اما پس از ترجمه قرآن و مشاهده تاثیر گذاری قرآن بر جامعه مسیحی و مجذوب شدن جمعی از مسیحیان به قرآن و اسلام تصمیم به ردیه نویسی علیه قرآن گرفتند.

دوره سوم (از نیمه دوم قرن پانزدهم تا قرن هفدهم میلادی)

تسخیر بزرگ‌ترین قدرت مسیحیت به نام امپراطوری روم شرقی یا بیزانسی توسط ترکان عثمانی در نیمه قرن پانزدهم و هم‌چنین دیگر فتوحات ترکان عثمانی در غرب (اروپا) رویکرد مطالعات قرآنی غرب را تحت تاثیر قرار داد و باعث شد رویکرد دوره قبل در مطالعات قرآنی تغییر کند. این رویکرد احتمالاً تا قرن هفدهم میلادی که مطالعات عربی و متن عربی قرآن کریم صیغه دانشگاهی یافتند، ادامه داشته است. رویکرد مزبور عبارت بود از:

رویکرد انتقادی معرفتی

تعریف: مطالعه و آشنایی مستقیم با آموزه‌های قرآن کریم و نقد آن‌ها به هدف بی اعتبار ساختن قرآن کریم، فرق این دوره با دو دوره قبل در این امر است که غربیان در این دوره برای اولین بار اقدام به معرفت و مطالعه و آشنایی مستقیم با آموزه‌های قرآن کردند که تا دوره قبل به دلیل عدم ترجمه قرآن به اکثر زبان‌های اروپایی نتوانسته بودند، به نقد آموزه‌های قرآن کریم پرداختند.

رویکرد مزبور در آثار قرآنی غربیان در دوره‌ای محیط بر یک و نیم قرن یعنی از نیمه دوم قرن پانزدهم تا قرن هفدهم میلادی، حاکم بوده است. در این دوره شکست امپراطوری مسیحیت در سال ۱۴۵۳م و تجدید قدرت امپراطوری عثمانی با سرکار آمدن سلطان سلیم (۲۰-۱۵۱۲م)، تهدید جدی برای غربیان و به ویژه برای مسیحیت به شمار می‌آمد. این عامل پژوهش‌های قرآنی این دوره را مستقیم تحت تاثیر قرار داد (بوزین، مطالعات قرآنی تا سال ۱۸۰۰: ۲۴۲) و از طرفی غربیان به علت وجود ترجمه‌های متعدد قرآن کریم در زبان‌های مختلف اروپایی قرآن کریم را مفصلاً مورد مطالعه قرار دادند و اقدام به نقد آموزه‌های قرآن کریم کردند. در این دوران ردیه‌های متعدد قرآنی توسط فرقه‌های مختلف مسیحیت هم‌چون دومینیک، فرانسیسک، ژرمن انتشار یافتند مانند این‌که کاردینال ژرمنی بنام نیکولاس کوزایی (Nicoloous of Cusa) متوفای ۱۴۶۴م با کمک دیگران از جمله متکلم معروف مسیحی یوهان سگووایی (Johan of Segovia) متوفای ۱۴۵۸م و یک راهب کارتوشی بنام دایونی سیوس ریکل (Dionysius Rijkel) متوفای ۱۴۷۱م کتاب گسترده قرآنی (بر ضد القرآن فرقه محمدی) (Contra Alchuranum et sectam Machometicam) را نگاشت که در سال ۱۵۳۳م در کلن و ترجمه آلمانی اش در سال ۱۵۴۰م در استرسبورگ به چاپ رسید. یوهان سگووایی که بعداً به مقام کاردینالی در کلیسا رسید اثری بنام (فرستادن شمشیر خدا به قلوب ساراسن‌ها) (De mitten do gladio divini spiritus in corda saracenorum) را هم نگاشت (بوزین، مطالعات قرآنی تا سال ۱۸۰۰م، ۲۴۲-۳).

عوامل رویکرد مزبور

۲۳۴ دفاع از تهدید ترکان عثمانی

امپراتوری ترکان عثمانی تا پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) که رو به زوال گذاشت (جهانبخشی، ثواقب، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ۱۳۸۷: ۳۰۸) تهدید جدی برای اروپا به حساب می‌آمد و غربیان وحشت فوق العاده‌ای از این امپراطوری داشتند (جعفریان، مقالات تاریخی، ۱۳۷۸: ۲۵۰-۲۵۱). اروپاییان همواره در صدد تجزیه این امپراطوری بزرگ

اسلامی بودند و پس از جنگ جهانی اول اراده آنان به وقوع پیوست. در میان تمام ادوار قدرتی امپراطوری عثمانی بزرگترین موفقیت آنان که اروپا و غربیان آنرا برای خودش یک تهدید بزرگ می‌پنداشتند و تمام هم و غم اروپاییان را به خود اختصاص داده بود، پیروزی عظیم آن‌ها در سال ۸۷۳ق/ ۱۴۵۳م بر امپراتوری بزرگ مسیحیت شرقی و سقوط پایتخت این امپراتوری به نام قسطنطنیه به دست آن‌ها بوده است. به علت از دست رفتن قدرت عظیم اروپا^[۵] خواب از چشمان اروپاییان و به ویژه عالمان مسیحی ربوده شد و تعصب و کینه توزی آنان نسبت به اسلام و مسلمانان تشدید شد. این امر باعث گردید که آنان بیش از پیش درباره کتاب مقدس ترکان معرفت و آشنایی پیدا کنند و به مطالعه مستقیم آن پردازند تا از این طریق بتوانند آموزه‌های قرآن کریم را نقد کنند. متصدیان این‌گونه پژوهش‌ها غالباً روحانیون مسیحی بوده‌اند که در مقابله با تهدید ترکان می‌خواستند کتاب مقدس شان را خدشه دار کنند. بیش‌ترین کاربرد رویکرد مزبور در قرن شانزدهم که تهدید شدیدی از طرف ترکان عثمانی متوجه اروپاییان بود، به شکل مقدمه و مؤخره نویسی بر ترجمه‌های قرآن کریم به زبان‌های مختلف اروپایی بوده است. از این مقدمه‌ها به خوبی فهمیده می‌شود که عامل اصلی رویکرد مزبور چه بوده است. در مقدمه‌ها نگرانی از گسترش آموزه‌های اسلام در میان اروپاییان و خطر ترک‌ها به قصد ریشه کن کردن مسیحیت، در مقدمه ترجمه‌ها موج می‌زند و از اسم گذاری این ترجمه‌ها هم به خوبی این امر روشن می‌شود که آن‌ها چقدر خطر ترک‌ها را احساس می‌کردند مانند ترجمه‌های آلمانی که نام اولین ترجمه آلمانی قرآن را نویسنده سالمون اشوایگر (قرآن ترک‌ها) می‌گذارد که در سالهای ۱۶۵۹م و ۱۶۶۴م تجدید چاپ شد. و هم‌چنین عنوان دومین ترجمه را که در سال ۱۶۷۷م توسط ابرهارد ورنل هاپل رُمان نویس و روزنامه نگار آلمانی نگارش یافت (کتاب قانون ترک‌ها) (Gesetzbuch Turkisches) می‌گذارند (درخشان مقدم، نارنجی، بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان آلمانی، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۲).

پیروزی نهضت اصلاحی پروتستان‌ها

در اواخر قرون وسطی جنبش اصلاح‌گری در درون کلیسای کاتولیک به وجود آمد و یکی از راهبان کلیسای کاتولیک به نام مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶م) علیه پاپ و برخی عقاید مسیحیت کاتولیک علم اعتراض بلند کرد و رفته رفته این جنبش به تمام اروپا سرایت کرد و جنبشی به نام پروتستان را به وجود آورد و سبب شد یک پارچگی کلیسا و مسیحیت که نزدیک به هزار سال یک قدرت بلا منازعه غرب به حساب می‌رفت، از هم بپاشد. مهم‌ترین هدف پروتستان‌ها و به ویژه رئیس آنان مارتین لوتر از نهضت اصلاح‌گری مرجعیت بخشی کتاب مقدس در مقابل مرجعیت پاپ بوده است. نهضت اصلاح‌گری باعث گردید که کتاب مقدس بیش از پیش مورد پژوهش

پروتستان‌ها قرار بگیرد و بسیاری از تفاسیر قدیمی کلیسا از کتاب مقدس را مورد نقد قرار دادند و تفسیر و فهم کتاب مقدس را از انحصار کلیسا در آوردند و در اختیار عموم پژوهش‌گران قرار دادند. این امر باعث گردید که در معرفت و مطالعه قرآن کریم هم انحصار کلیسا شکسته شود و عموم پژوهش‌گران آن را مورد مطالعه قرار دهند. شاهد بر این امر ترجمه نگاری قرآن کریم در بیشتر زبان‌های اروپایی است که در این دوران صورت گرفت. اما متأسفانه در ترجمه نگاری این دوران هم به جای اصل متن عربی قرآن کریم، نخستین ترجمه لاتینی قرآن کریم که آکنده از غلط‌ها و تحریف‌ها بود مورد استفاده قرار گرفت. شاید به همین علت بود که آثار قرآنی پروتستان‌ها و به ویژه مارتین لوتر بر از پرخاشگری و طعن نسبت به آموزه‌های قرآن کریم می‌باشند (خسرو شاهی، ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی، ۱۳۶۸: ۲۱۳). احتمالاً علت دیگری در لحن تند پروتستان‌ها و مارتین لوتر نسبت به قرآن کریم و اسلام وجود فضای سیاسی آن دوران باشد که تهدید ترکان عثمانی برای اروپا به اوج خود رسیده بود. و آنان ولو نسبت به خرافات کاتولیک‌ها معترض بودند اما اصل دین مسیحیت را قبول داشتند و در مقابل آن هر دین دیگری از جمله اسلام را نفی می‌کردند. مارتین لوتر که یک فرد دانش‌مند و استاد کتاب مقدس در دانشگاه بود (فلاورز، اصلاحات، ۱۳۸۴: ۲۰) آثار زیادی در مورد اسلام و پیامبر اسلام و قرآن تالیف کرد که رویکرد وی در آثار اسلامی رویکرد شدید و تندی بوده است مانند این‌که «وی در سال ۱۵۳۲م ردیه‌ای کاملاً جدلی و انتقادی علیه قرآن و اسلام را که نام (بر ضد ساراسن‌ها) داشته و توسط ریکالدو دومونته کروچه نوشته شده بود و مهم‌ترین کتابی برای آگاهی غربیان از قرآن به حساب می‌آمد، به آلمانی ترجمه کرد و لی ترجمه اش گونه‌ای بوده که برخی صفحات را خلاصه کرد و از خود بحث‌هایی افزود و لحن کتاب را که بر علیه ساراسن‌ها (عثمانی‌ها) بوده و تاحدی ملایم بوده، تندتر کرد و به این وسیله دو دشمن خود، یکی اسلام که از سوی ارتش عثمانی تهدیدی داشت و دوم کلیسای کاتولیک را که مخالف آن بود، نشانه گرفت» (رحمتی، قرآن در عصر اصلاحات، ۱۳۸۶: ۹-۸). هم‌چنین نقل شده است که «در مجادلات ضد اسلامی بعد از اصلاحات (در رنسانس) اسلام تنها وسیله‌ای برای مجادلات فرقه‌ای ضد اسلامی نبوده بلکه در مجادلات ضد کاتولیکی نیز کاربرد داشته است (همان، ۹-۸).

دوره چهارم (قرن هفدهم و هجدهم میلادی)

با آغاز و توسعه مطالعات عربی در دانشگاه‌های اروپایی از قرن هفدهم میلادی متن عربی قرآن کریم به خاطر یک متن عربی کلاسیک مورد توجه دانشگاهیان قرار گرفت و از این زمان یک

رویکرد نو نسبت به دوره قبل در مطالعات قرآنی غرب آغاز گردید و سپس با آغاز دوره روشن‌گری و عقل‌گرایی در قرن هجدهم و میلادی رویکردها در مطالعات قرآنی توسعه پیدا کردند. مهم‌ترین رویکردهای این دوره عبارت بودند از:

رویکرد زیباشناختی زبان قرآن

تعریف: ارائه عظمت و شاهکار اسلوبی قرآن کریم در زبان مقصود

رویکردی که قبل از این در مطالعات قرآنی غرب پیشینه‌ای نداشته و در برخی از آثار قرآنی قرن هجدهم و به ویژه در برخی ترجمه‌های قرآنی این دوره به چشم می‌خورد، رویکرد مزبور است که منظور ما از این نام‌گذاری این است که ویژگی‌های زیباشناختی زبان قرآن (عظمت و شاهکار ادبی قرآن) که در متن عربی آن وجود دارد، در زبان مقصود مراعات شوند. این رویکرد اولین بار در برخی از آثار این دوره به چشم می‌خورد، در حالی که در دوره‌های قبل چه در ترجمه‌ها و چه در دیگر پژوهش‌ها سعی می‌شد اسلوب قرآنی را یک اسلوب به هم ریخته و نامنظم جلوه دهند.

عمده‌ترین نمونه در این زمینه ترجمه جدید فرانسوی می‌باشد که در سال ۱۷۸۳م توسط کلود ایتینی ساواری (۱۷۵۰-۱۸۸۸م) نگاشته شد. او در این باره می‌نویسد: «به اندازه توانم من اختصار گویی و قدرت و عظمت اسلوبی اش را سرمشق قرار دادم» (بوزین، ترجمه‌های قرآن، دائرة المعارف قرآن لایدن، ۳۴۴). به گفته هارتموت مترجم مزبور نخستین مترجم غربی قرآن است که کمال اسلوب و عظمت تصویر پردازی قرآن را حس کرد و سعی کرد ویژگی زبان شناختی قرآن را کاملاً حفظ کند (همان). ترجمه مزبور تا امروز هفتاد بار به چاپ مجدد رسیده است.

عامل رویکرد مزبور

پیش‌رفت زبان عربی در غرب

احتمالاً عامل رویکرد مزبور پیش‌رفت زبان عربی و سعی فراوان دانش‌مندان غربی به آموختن دقت‌ها و ظرافت‌های زبان عربی بوده است که در این راستا متنی که بیشتر مورد پژوهش قرار می‌گرفت متن عربی قرآن کریم بود. به این سبب برخی دانش‌مندان غربی عظمت و ظرافت اسلوبی قرآن را لمس کردند و سعی کردند همان اسلوب را در زبان مقصود ارائه کنند.

رویکرد ملایم در مطالعات قرآنی

تعریف: نگاه نرم و خوش بینانه نسبت به قرآن و نقض نگاه تعصب آمیز و غیر واقعی گذشتگان آغاز رویکرد مزبور از نیمه قرن هفدهم بوده است و در قرن هجدهم میلادی نمایان‌تر شد. نمونه‌های این رویکرد بیشتر در مقدمه ترجمه‌های قرآن کریم وجود دارند.

یکی از آن نمونه‌ها ترجمه لاتینی قرآن نوشته لودویکو ماراتچی در سال ۱۶۹۸م بود که یک مقدمه مفصلی داشت. در آن مقدمه ماراتچی قرآن را این‌گونه توصیف می‌کند: «من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیر متدین (غیر مسیحی) ارائه دهند. او بدون تردید اولی را برخواهد گزید زیرا کتاب محمد در ظاهر افکاری را به خواننده می‌آموزد که به اندازه کافی بر موازین عقلی منطبق است» (جهانبخشی، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ۱۳۸۷: ۳۴۰).

یکی دیگر از آن نمونه‌ها ترجمه انگلیسی جرج سیل است که در سال ۱۷۳۴م همراه با مقدمه مفصلی درباره اسلام و پیامبر اسلام در لندن منتشر شد. در آن مقدمه نظریات پیشین اروپاییان درباره اسلام و پیامبر اسلام بررسی و نقد شدند (همان، ۳۴۰).

عوامل رویکرد مزبور

افزایش آشنایی اروپاییان از شرق

یکی از عوامل رویکرد مزبور احتمالاً افزایش چشمگیر سفر اروپاییان به شرق با انگیزه‌های سیاسی، تجاری، علمی و هنری بوده است (الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ۱۳۸۱: ۶۸). گزارش سیاحانی که عمدتاً پروتستان مذهب بودند، داوری‌های گذشتگان را درباره اسلام و پیامبر اسلام و مسلمانان نقض می‌کرد (جهانبخشی، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ۱۳۸۷: ۳۳۹). به تبع آن برخی آثار غربیان درباره اسلام و قرآن هم برخلاف برداشت قدیمی قرون وسطایی نوشته شدند. این برداشت‌های دو گونه گروهی از دانش‌مندان را برانگیخت که بیش از پیش درباره مسلمانان و دین‌شان تحقیق کنند. قرآن را بخوانند و به منابع دیگر اسلامی دست یابند. شرایط نیز مهیا بود چون مدرسه جوانان مترجم در سال ۱۶۶۹م در پاریس دایر شده بود و تدریس زبان‌های عربی و ترکی و فارسی در آن آغاز شده بود. علاوه بر این قرآن نیز به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی و ایتالیایی و آلمانی و هلندی ترجمه شده بود (همان، ۳۴۰-۴۲) و راه را برای پژوهش‌گران هموار کرده بود.

کناره‌گیری کلیسا از سیاست

دومین عامل پیدایش رویکرد مزبور به کنار رفتن تدریجی کلیسا و کشیشان از صحنه سیاست و پژوهش بود و در نتیجه مطالعات اسلامی به تدریج از رنگ و بوی کاملاً دینی و کلیسایی بیرون آمد و صبغه دانشگاهی به خود گرفت (الویری، محسن، مطالعات اسلامی در غرب، ۱۳۸۱: ۷۰) به ویژه ترجمه‌های قرآن کریم به زبانهای مختلف اروپایی که قبل از قرن هفدهم میلادی تنها کشیشان و مبلغان مسیحی متصدی آن بودند، اما از این قرن به بعد توسط دیگر دانش‌مندان غربی هم

صورت گرفتند و آن هم نه به عنوان کپی برداری از نخستین ترجمه لاتینی قرآن، بلکه مستقیم از متن عربی نگارش یافتند مانند ترجمه فرانسوی که در سال ۱۶۴۱م توسط سیاستمدار فرانسوی به نام آندره دوری به از متن عربی نگاشته شد. ترجمه مزبور در طول نیمه دوم سده هفدهم شش بار به چاپ رسید و در سال ۱۶۴۹م به زبان انگلیسی، در سال ۱۶۵۸م به هلندی و سپس در سال ۱۶۸۸م به آلمانی ترجمه شد (جهانبخشی، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، ۳۴۲).

پذیرش هویت اسلام و مسلمانان

سومین عامل رویکرد مزبور پذیرش هویت غیر قابل انکار اسلام و مسلمانان بود که عوامل این امر کاسته شدن خطر عثمانی‌ها و گسترش خردگرایی به ویژه در قرن هجدهم و رفت و آمد مستمر غربی‌ها به شرق بودند که باعث آشنایی آن‌ها با روحیه تساهل مسلمانان و اخلاق و آداب آنان شد (الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ۱۳۸۱: ۷۱-۷۲).

دوره پنجم (قرن نوزدهم میلادی)

غلبه تفکرات استعمار گرایانه غرب در این قرن رویکرد گذشته مطالعات اسلامی و قرآنی غرب را که یک رویکرد نسبتاً ملایم‌تر و نرم‌تر بود و در قرن هفدهم و هجدهم جریان پیدا کرده بود، یک مرتبه دیگر دچار رکود شد و رویکرد مطالعات اسلامی را به رویکرد استعماری تبدیل نمود. به این علت این برهه زمانی را می‌توان از جهت تحول رویکردها یک دوره مستقل به حساب آورد.

رویکرد استعماری

تعریف: مطالعات قرآنی برآورده کننده نیاز دولت‌های سلطه گر غرب برای استعمار و تسلط بر مناطق اسلامی یا برای استمرار تسلط.

واژه استعمار در لغت به معنای آبادانی یا آباد کردن است (توکلی، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی، ۱۳۸۵: ۱۹) در اصطلاح عبارت است از: کشور گشایی، رخنه‌گری و برتری‌جویی (همان) یا در خدمت قرار دادن ملتی به ملت دیگر و حکومت کردن بر مقدرات آن (مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۸۲: ۱۱۱/۲۴).

استعمار اروپاییان بر جهان سابقه طولانی دارد و به سده‌های ۱۲ و ۱۳م باز می‌گردد که پس از کشف سرزمین فرادریاها و دست اندازی اروپاییان پدیدار شد. پیشگامان آن پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها بودند. مهم‌ترین انگیزه‌های استعمار عبارت‌اند از: انگیزه اقتصادی، انگیزه دینی (تبلیغ دین مسیحیت در سرزمین‌های دور دست) و پس از افزایش یافتن توان مالی و اقتصادی انگیزه باز پس‌گیری بیت المقدس از دست مسلمانان (توکلی، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۱). سده هفدهم دوران رشد سیاست استعماری دولت‌های اروپایی بود که برای

توسعه مستعمره‌های خود کارشان به جنگ با یک‌دیگر نیز کشیده شد. مانند جنگ هلند با پرتغال و جنگ انگلستان با فرانسه (همان، ۲۶). در قرن هفدهم میلادی اروپایی‌ها برای گرداندن مستعمره‌های خود، کمپانی‌ها را سامان دادند که چند تن ماجراجو، دریانورد، بازرگانانی که در مستعمره منافع مشترکی داشتند گردهم آمده یک کمپانی یا شرکت تشکیل دادند. اساسنامه کارگردانی آن را پارلمان کشور استعمارگر تصویب می‌کرد. مهم‌ترین این کمپانی‌ها عبارت بودند از: کمپانی هند شرقی بریتانیا در سال ۱۶۰۰م، کمپانی هند شرقی فرانسه در سال ۱۶۶۴م و کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۶۰۲م (همان، ۲۷-۲۸).

در قرن نوزدهم میلادی به علت افزایش جمعیت و انقلاب صنعتی فرانسه، کشورهای صنعتی به فکر گسترش فرمان‌روایی و رخنه‌گری بیشتر در دیگر کشورها به ویژه خاورمیانه و آفریقا افتادند. این نوع استعمار از سال ۱۸۶۰م پرشتاب‌تر شد و امپراتوری‌های پهناور از آن سر برآوردند. این امپراتوری‌ها تا نیمه قرن بیستم (پس از جنگ جهانی دوم) صعود داشتند. اما پس از جنگ جهانی دوم به عوامل مختلف هم‌چون ظهور تفکر ناسیونالیسم (ملیت‌گرایی) این نوع استعمار به تحلیل رفت. در این میان بریتانیای کبیر و فرانسه بزرگترین امپراتوری‌های استعمارگر داشتند. بریتانیا در هر پنج قاره زمین‌سی و پنج میلیون کیلومتر مربع مستعمره داشت. فرانسه دوازده میلیون کیلومتر مربع در آفریقا و شبه جزیره هند و چین داشت. پس از آن‌ها هلند، بلژیک، آلمان و ایتالیا قرار داشتند. در این دوران دویست میلیون اروپایی بر هفتصد میلیون تن در سراسر جهان سروری می‌کردند (همان). البته باوجود پایان یافتن استعمار فیزیکی اروپا مرحله دیگری از استعمار که استعمار فکری نام دارد تا هنوز هم ادامه دارد.

مهم‌ترین راهکار و ابزاری که استعمارگر هم در پیروزی استعمار و هم در استمرار آن به مدت یک و نیم قرن، از آن بهره کافی برد، از بین بردن قداست قرآن کریم و وارونه جلوه دادن حقایق اسلامی است و این راهکار تا امروز هم به شکل‌های مختلف توسط غربیان ادامه دارد. چون مهم‌ترین چیزی که به عنوان مانع پیروزی در نگاه اروپاییان جلوه می‌کرد دین اسلام و در رأس آن کتاب مقدس مسلمانان بود. چون پدیده استعمار گرچه یک پدیده جدید است و در صدر اسلام پدیده‌ای به این نام و اوصاف وجود نداشت. اما مبارزه با این پدیده در کادر کلی اصول اسلامی وجود داشته است (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۳: ۱۱۱). در این زمینه بیانات راهبران دولت‌های استعاری غرب به خوبی نشان می‌دهند که آنان چرا از اسلام و قرآن هراس داشتند. کلا دستون‌نخست وزیر انگلیس و وزیر مستعمرات آن قرآن کریم را به دست می‌گیرد و می‌گوید «تا این کتاب در دست مسلمانان است

نمی‌توان بر آنان مسلط شد» (جهانبخشی، نگرشی تاریخی به رویارویی غرب با اسلام، ۱۳۸۷: ۲۸۵). هم‌چنین ویلیام گیفورد می‌گوید «هر وقت قرآن و شهر مکه از کشورهای عربی و اسلامی جدا شد آن وقت ما می‌توانیم مسلمین را در حالی ببینیم که متدرجا راه تمدن ما را می‌پیمایند و مطیع و فرمانبردار ما می‌باشند» (همان). دولت‌های استعمارگر غربی تصمیم گرفتند با کمک مستشرقان مهم‌ترین مانع در استعمار پذیری مسلمانان که عبارت از کتاب مقدس آنان است (صوف، نقشه‌های استعمار در مبارزه با اسلام، ۱۳۴۶: ۱۱۴) را برطرف کنند. لذا مستشرقان مزدور تحقیقات و پژوهش‌های به ظاهر علمی درباره اسلام و قرآن را آغاز کردند (همان).

دوره ششم (از نیمه قرن نوزدهم تا قرن معاصر)

از نیمه قرن نوزدهم میلادی و با شروع مطالعات آکادمیک درباره قرآن کریم توسط مستشرقان رویکرد جدیدی در مطالعات قرآنی غرب دیده می‌شود که با گذشت زمان بیشتر و قوی‌تر می‌شود. اگرچه در این نوع مطالعات وجود دیگر رویکردهای قدیمی مسیحیت مانند ردیه نویسی، تبشیری و استعماری را نمی‌توان انکار کرد اما صبغه غالبی در این نوع مطالعات رویکرد علمی بوده است. رویکرد علمی و منصفانه

تعریف: جست‌وجوی علمی انتقادی و بی‌غرضانه به وسیله مقدمات و پیشینه‌های وابسته به اصول کلیسایی محدود نشده (شولر، مطالعه پسا مدرن آکادمیک قرآن، دائرة المعارف قرآن، ۱۸۷/۴). آغاز دوره رویکرد مزبور از نیمه قرن نوزدهم میلادی بوده است و در نیمه دوم قرن بیستم بیشتر نمایان شد که امروزه می‌توان رویکرد مزبور را یک رویکرد غالبی در مطالعات قرآنی مستشرقان دانست. البته نمی‌توان انکار کرد که باوجود صبغه غالبی داشتن رویکرد مزبور دیگر رویکردهای تعصب آمیز در کنار آن تا هنوز هم ادامه دارند و در برخی آثار قرآنی این دوره رویکرد تعصب آمیز کاملاً آشکارا وجود دارد.

تعداد مستشرقانی که با انگیزه علمی، سراغ تحقیق درباره قرآن و اسلام رفتند، کم نیست. این‌گونه مستشرقانی که در هر دوره از دوره‌های تاریخی مطالعات قرآنی وجود داشتند و امروزه تعدادشان بیش از پیش است، بر دو نوع هستند.

یکی - کسانی هستند که پس از تحقیقات علمی و غیر جانب‌دارانه نسبت به اسلام و قرآن و پس از حق یافتن آن، منتظر نشستند و فرصت طلایی را از دست ندادند و به اسلام با کمال میل گرویدند و به شکل عملی حقانیت اسلام و قرآن را اعتراف کردند. تعداد این‌گونه افراد در کتب مختلف ذکر شده است. یکی از آنان مستشرق اتریشی بنام لئو پولد فایس می‌باشد که به بهترین وضع اسلام را پذیرفت و به این دیانت مشرف گردید. نام اسلامی وی محمد اسد است. او

کتاب‌های زیادی در دفاع از اسلام و قرآن تألیف کرده مانند کتاب (الإسلام علی مفترق الطرق) ترجمه دکتر عمر فروخ و کتاب (الطریق إلى مکة) (آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان، ۱۳۸۸: ۱۶۱) و هم‌چنان الان هم برخی دیگر از کتاب‌های این چنینی را دارد تألیف می‌کند (صواف، نقشه‌های اسعمار در مبارزه با اسلام، ۱۳۴۶: ۱۰۳). هم‌چنین مستشرق ایتالیایی دکتر ادواردو آنیلی که پس از پذیرش اسلام خودش را با نام مهدی موسوم کرد و در همین راه لقب شهید را به خود اختصاص داد.

و دوم- کسانی‌اند که گرچه به خاطر وجود عوامل نامعلوم نتوانستند به اسلام بگردند اما با کمال شجاعت و مردانگی آمدند و از اسلام و قرآن دفاع کردند و تهمت‌های ناروا درباره اسلام، پیامبر گرامی اسلام و قرآن کریم را به شکل احسن پاسخ گفتند. سر فهرست این گونه مستشرقان مستشرق معروف انگلیسی به نام جان دیون پورت (۱۷۸۹-۱۸۷۷م) می‌باشد. او در سال ۱۸۶۹م کتابی پس از تحقیقات بسیار علمی راجع به اسلام و پیامبر گرامی اسلام، با عنوان (عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن) نگاشت که در لندن به چاپ رسید. این کتاب توسط سید غلامرضا سعیدی به فارسی ترجمه شده است. همان گونه که از عنوان این کتاب فهمیده می‌شود هدف نویسنده پاسخ دادن به تهمت‌های ناروای کلیسای متعصب مسیحی علیه پیامبر اسلام و قرآن و بیان حقیقت پیامبر اسلام و قرآن کریم است. یکی دیگر از این گونه نمونه‌ها کتاب (پیش‌رفت سریع اسلام) است که توسط لورا واکسیا واگلری نگارش یافت و توسط سید غلامرضا سعیدی به فارسی ترجمه و در کنار کتاب (عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن) توسط انتشارات اطلاعات تهران در سال ۱۳۸۸م به چاپ رسیده است. در این کتاب نویسنده در صدد بیان حقایق اسلام و پیامبر اسلام می‌باشد. در کتاب (زندگانی محمد) که نوشته فیلسوف پیتربایل می‌باشد. نظریات غیر منصفانه غربیان راجع به زندگانی آن حضرت نقد شده است. کتاب مزبور در سال ۱۶۹۷م در روتردام به چاپ رسیده است. جرج جرداق مسیحی (عرب لبنانی) در کتاب (الإمام علی صوت العدالة الانسانیة) شخصیت والای حضرت علی علیه السلام را به خوبی ترسیم کرده است (زمانی، آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان، ۱۳۸۸: ۱۵۶). هم‌چنین از جمله مستشرقانی که گرچه یک کتاب جداگانه در بیان حقیقت اسلام و قرآن ننوشتند، اما در لابلای بحث این امر را به خوبی تبیین و اعتراف کردند، می‌توان اسم ادوارد براون انگلیسی (۱۸۶۲-۱۹۲۶م) را ذکر کرد که به گفته مصطفی حسینی طباطبایی گرچه در پاره‌ای از موارد دچار اشتباه شده است. اما درباره اسلام برخلاف بسیاری

از خاورشناسان گرفتار تعصب و خشک اندیشی نشده و داوری‌های به جا و منصفانه‌ای نموده است مثلاً در مقایسه میان قرآن کریم و اوستا می‌نویسد: «هر چه بیشتر به مطالعه قرآن می‌پردازم و هرچه بیشتر برای درک روح قرآن کوشش می‌کنم، بیشتر متوجه قدر و منزلت آن می‌شوم. اما بررسی اوستا ملالت آور و خستگی افزا و سیر کننده است مگر آن که به منظور زبان شناسی و علم الاساطیر و مقاصد تطبیقی دیگر باشد» (طباطبایی، نقد آثار خاورشناسان، ۱۳۷۵: ۲۰). هم چنین توماس کارلایل، گوته آلمانی، مونتگمری وات، گوستاولویون، موریس بوکای، هانری کاربن (حامل عرفان سهروردی و حکمت صدرایی به غرب)، ادوارد سعید (نقاد بزرگ استشراق)، مارگرت مارکوس، ادوارد مونیته (مترجم قرآن کریم به زبان فرانسه که به گفته محمد فواد عبد الباقی ترجمه وی دقیق‌ترین ترجمه قرآن کریم به حساب می‌آید) (همان، ۱۴۹) و... هم از جمله این‌گونه مستشرقان می‌باشند.

برخی از دانش‌مندان اسلامی استشراق آلمانی را جز چند موارد نادر دارای انگیزه‌های علمی می‌دانند. از جمله این دانش‌مندان دکتر صلاح الدین المنجد است که در کتابش (المستشرقون الألمان) آورده: من نزدیک به سی سال است با مستشرقان آلمانی در تماس هستم.

استشراق آلمانی که درباره زبان عربی از قرن هفدهم میلادی توسط استاد کریستمان (م ۱۶۱۳) آغاز شده و قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم (تا جنگ جهانی دوم) اوج اقتدار مستشرقان آلمانی در زمینه مطالعات اسلامی و قرآنی به شمار می‌آید، خدمات بسیاری به زبان عربی و اسلام کردند و در زمینه مطالعات اسلامی و عربی زحمات‌های فراوانی را متحمل شدند. مانند رایسکه که زندگی خود را در راه تعلیم و آموزش زبان و فرهنگ عربی و اسلامی وقف کرد و خودش را با لقب شهید ادب عربی ملقب ساخت. او در فقر و تنگدستی زندگی کرد و در همین وضع با بیماری مسلول از دنیا رفت. هم چنین وستفلد آلمانی که به سبب کثرت جست‌وجو و تحقیق درباره متون و نصوص عربی بینایی چشمانش را از دست داد و بسیاری از متون مهم عربی را بر خرچ شخصی منتشر کرد. مهم‌ترین خدمات مستشرقان آلمانی به زبان عربی و اسلام در زمینه‌هایی هم چون انتشار متون قدیمی و نایاب اسلامی و عربی، فهرست‌سازی نسخه‌های خطی عربی و اسلامی و اهتمام به نگارش معجم‌های عربی می‌باشند. دو دلیل عمده وجود دارند که اثبات می‌کنند که استشراق آلمانی از آغاز تا امروز در زمینه مطالعات عربی و اسلامی انگیزه علمی و محققانه را داشت. یکی این که آلمان هیچ مستعمره‌ای در کشورهای عربی و شرقی نداشت و دوم اینکه استشراق آلمان در زمینه تبلیغ مسیحیت در شرق هیچ اهمیتی نداشته است (المنجد، المستشرقون الألمان، ۱۹۷۸: ۷-۱۲).

عوامل رویکرد علمی

دانشگاهی شدن مطالعات اسلامی و قرآنی

یکی از عوامل صبیغه غالبی داشتن رویکرد مزبور رشد شاخه‌های مختلف علوم اسلامی در دانشگاه‌های اروپا (الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ۷۹) می‌باشد که آغازش در قرن هجدهم در دانشگاه‌های مختلف اروپایی بود (همان، ۷۳) و از قرن نوزدهم به بعد شکوفایی بیش‌تری پیدا کرد و حتی مراکزی که یک دوره رکود در مطالعات عربی و اسلامی داشتند، دوباره فعالیت خود را آغاز کردند مانند این‌که در دانشگاه‌های ایتالیا بعد از رکود در قرن هجدهم، دوباره در قرن نوزدهم فعالیت خود را آغاز کردند و مستشرقان بزرگی در دانشگاه‌های فلورانس، ناپولی، بادوی، پینرا، ژم، پالمو مطالعات عربی و اسلامی را در حال انجام فعالیت در آن‌ها هستند. هم‌چنین در اسپانیا در نیمه اول قرن نوزدهم بعد از رکود یک دوره دوباره مطالعات عربی و اسلامی رونق گرفتند (همان، ۷۴).

جدایی مطالعات از استعمار

دومین عامل آن جدا شدن تدریجی این دسته از مطالعات از انگیزه‌های استعماری به ویژه از نیمه‌های قرن نوزدهم به بعد می‌باشد (همان، ۷۹). قبل از آن به ویژه قرن نوزدهم میلادی که عصر استعمار نام دارد (همان، ۷۳)، مطالعات عربی و اسلامی با انگیزه استعماری دنبال می‌شدند. و مدت نیم قرن اوج استعمار غربی و به زیر سلطه گرفتن بخش‌های سرزمین اسلامی بوده است ولی از نیمه دوم قرن نوزدهم و پس از آن احتمالاً به خاطر تکمیل نیاز غرب از استعمار، این انگیزه رو به کاهش گذاشت و به دنبال آن در مطالعات عربی و اسلامی هم این انگیزه به تدریج از بین رفت و یک رویکرد علمی و محققانه در مطالعات اسلامی و قرآنی آغاز گردید.

نتیجه

مطالعات قرآنی غربیان از لحاظ تغییرات رویکردی وانگیزه‌ای به شش دوره تاریخی قابل تقسیم اند. دوره اول از آغاز مطالعات در قرن هشتم و نهم میلادی تا نیمه اول قرن دوازدهم میلادی را دربر می‌گیرد که عمده‌ترین رویکرد این دوره رویکرد جدلی کلامی بوده است که اعتقادات اسلامی و شخصیت پیامبر اسلام ﷺ را شدیداً مورد انتقاد قرار می‌داد و مهم‌ترین عوامل آن تعصب و انحصار مطالعات در کلیسا بود. دوره دوم مشتمل بر نیمه دوم قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن پانزدهم می‌باشد که رویکرد غالبی این دوره از رویکرد انتقادی عمومی و کلی به انتقادات تخصصی علیه قرآن تغییر یافت. عواملی هم‌چون مقابله علمی با اسلام، شکست مسیحیت در جنگ‌های صلیبی و آگاهی از معارف قرآن در پیدایش و تغییر رویکرد مذکور نقش اساسی داشته‌اند. دوره سوم شامل نیمه دوم قرن پانزدهم تا قرن هفدهم است که رویکرد انتقادی این دوره، به صورت تخصصی‌تر نسبت به معارف قرآن تغییر یافت که مهم‌ترین عوامل تغییر مذکور را می‌توان مقابله با تهدید امپراطوری عثمانی و پیروزی نهضت اصلاحی پروتستان‌ها دانست. دوره چهارم که قرن هفدهم و هجدهم را دربر می‌گیرد، تغییر اساسی در رویکردهای مطالعات قرآنی را به صورت غالبی شدن رویکرد علمی آن‌ها نشان می‌دهد و در این دوره اولین بار رویکردهای علمی هم‌چون رویکرد زیبا شناختی زبان قرآن و رویکرد ملائم بر اثر عواملی هم‌چون افزایش روابط شرق و غرب، سقوط قدرت کلیسا بر سیاست و پذیرش هویت اسلام، پدید آمده‌اند. در دوره پنجم که نیمه اول قرن نوزدهم را شامل می‌شود، بر اثر عوامل سیاسی هم‌چون استعمار و استثمار شرق، رویکرد استعماری در مطالعات قرآنی، پُر رنگ می‌شود، اما در دوره ششم که از نیمه دوم قرن نوزدهم تا زمان معاصر را در بر می‌گیرد، رویکرد غالبی مطالعات قرآنی این دوره را بر اثر دانشگاهی و آکادمیک شدن مطالعات اسلامی و قرآنی و جدایی آن از تسلط استعمار شاهد هستیم.

پی‌نوشت‌ها

[۱] ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (احزاب/ ۳۷)؛ «و چون تو با آن کس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تو اش نعمت آزادی (زید بن حارثه) به نصیحت گفתי برو زن خود را نگاه‌دار و از خدا بترس و آنچه در دل پنهان می‌داشتی خدا آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از خدا سزاوارتر بود بترسی پس ما هم (بلدین غرض) چون زید از آن زن کام دل گرفت (و

طلاق داد) او را ما به نکاح تو آوردیم تا بعد از این مومنان در نکاح زنان پسر خوانده خود که از آن‌ها کامیاب شدند (و طلاق دادند) بر خویش حرج و گناهی نیندارند».

[۲] در مورد این شبهه پاسخ‌های متعددی در کتب اسلامی ذکر شدند. مهم‌ترین پاسخ در روایات تفسیری اهل بیت به عنوان شان نزول آیه مزبور آمده است و آخر آیه هم بدان اشاره دارد. و آن این است که ازدواج پیامبر اسلام با زینب (همسر پسر خوانده‌اش) یک نوع مبارزه با سنت جاهلی و باطل بود که عرب‌های جاهلی ازدواج با همسران پسر خوانده را بعد از طلاق همانند ازدواج با همسر فرزندان حقیقی جایز نمی‌دانستند. مقابله با این سنت جاهلی احتیاج به یک عمل کرد قاطع از طرف رهبر دینی بود تا بتواند این سنت را بشکند (نقل از رضوانی، علی اصغر، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، ۱۳۸۵: ۶۵۱ و ۶۵۲).

[۳] یولیوس کوردوبا اسپانیایی در زمان حکومت اسلامی در اندلس زندگی می‌کرد. بسیاری از مسیحیان و یهود در حکومت اسلامی با کمال آرامش و آزادی زندگی می‌کردند. اما گروهی از مسیحیانی که تعصب و کینه از اسلام و مسلمانان را در دل داشتند می‌خواستند با اقدامات خشونت آمیز و توهین آمیز نسبت به مقدسات مسلمانان به ویژه نسبت به پیامبر اسلام اتحاد و امنیت را پای مال کنند. یولیوس هم در زمره این‌گونه مسیحیان بود. در سال ۸۵۰م با حکم حاکم شهر کوردوبا اسقف‌ها و کشیشان فتنه انگیز آن شهر دستگیر شدند که از جمله آن‌ها کشیش یولیوس کوردوبایی بود. یولیوس و کشیشی دیگر به نام لوکریتا حتی در زندان هم دست از کارهای فتنه انگیزشان بر نداشتند و پس از آزادی از زندان فعالیت خود را دوچندان کردند. بالاخره پس از اخطاریه‌های متعدد حاکم شهر کوردوبا برای حفظ امنیت جامعه مجبور شد آن دو کشیش را به دار بیاویزد (نقل از Ghezzi, Bert, Voices of the Saints, Loyola press ; Buttlar, Alban, Lives of the Saints, Benziger Bros, 1894).

[۴] دومینیک‌ها گروهی از مبلغان و راهبان مسیحیت به حساب می‌آیند. این حزب یک حزب محلی کاتولیک روم بود که توسط کشیش اسپانیایی مقدس دومینیک دا گوزمان در فرانسه تاسیس شد. دومینیک‌ها در قرن هفدهم میلادی به قصد تبلیغ به شرق آمدند آن‌ها در موصل یک چاپ‌خانه مشهور عربی را تاسیس کردند و هم‌چنین در قدس مدرسه‌ای بنام مدرسه کتاب مقدس دارند (الشیخ فؤاد کاظم المقدادی، الاسلام و شبهات المستشرقین، پاورقی ص ۵۵).

فرانسسک‌ها یکی از فرقه‌های راهبانی مسیحیت است. این فرقه به موسس خود به نام قدیس فرانسیس‌ال‌اسیزی منسوب هستند که فرقه مزبور توسط قدیس در سال ۱۲۰۹م تاسیس شد. مهم‌ترین فعالیت‌های این فرقه فراگیری زبانهای شرقی و تدریس آن در بزرگترین دانشگاه‌های اروپا، تاسیس مراکز

شرقی در اروپا و شرق، تالیف کتاب‌ها و مجموعه‌ها درباره شرق به زبان‌های مختلف اروپایی و انتشار آن در اروپا و آمریکا می‌باشند (نقل از نجیب العقیقی، المستشرقون، ۵۰).

[۵] این حادثه یک نوع فروپاشی اقتدار مسیحیت در اروپا بوده است. چون امپراتوری رم شرقی که بعداً امپراتوری بیزانس نامیده شد، پس از انتقال امپراتوری از روم به شهر قسطنطنیه، بخش غربی امپراطوری که رم غربی نامیده می‌شد، رو به ضعف گذاشت. و بخش رم شرقی توانست خود را محکم نگه دارد و این امپراطوری از سال ۵۰۰ م تا ۱۵۰۰ م توانست خود را به عنوان ابر قدرت مسیحیت اروپا در جهان جلوه کند (اقتباس از جیمز آکوریگ، امپراتوری بیزانس، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ققنوس، ۱۳۸۲).

منابع

۱. آیتی، محمد ابراهیم، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش.
۲. بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، بهاء‌الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن مجید، ۱۳۸۲ش.
۳. پارت، رودی، الدراسات الإسلامیه و العربیه فی الجامعات الألمانية، د. مصطفی ماهر، بی‌تا.
۴. توکلی، مهران، استعمار، استعمارگری، استعمار زدایی جهان سوم، تهران: نشرنی، ۱۳۸۵ش.
۵. درخشان مقدم، پریسا و نارنجی، فرخ، بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان آلمانی، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۸۸ش.
۶. رحمتی، محمد کاظم، قرآن در عصر اصلاحات، کتاب ماه دین، شماره ۶۳ و ۶۴، دی و بهمن ۱۳۸۶ش.
۷. ریپین، اندرو، قرآن پژوهی در غرب، سید علی آقایی، خردنامه، شماره ۲۰.
۸. رضوانی، علی اصغر، اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، بهار ۱۳۸۵ش.
۹. الرفاعی، عبدالجبار، ملامح من رویه المستشرقین للقرآن، قرآن و حدیث، شماره ۱۱، دی ۱۳۷۱ش.
۱۰. زمانی، محمد حسن، آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان، قم: انتشارات بین المللی المصطفی، ۱۳۸۸ش.
۱۱. جهانبخشی، ثواقب، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۱۲. جعفریان، رسول، مقالات تاریخی، دفتر پانزدهم و شانزدهم، تهران: دلیل ما، تابستان ۱۳۸۷ش.
۱۳. جیمز، آکوریك، امپراتوری بیزانس، مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲ش.
۱۴. حورانی، آلبرت، اسلام در تفکر اروپایی، حمید نساج، تهران: دوستان، پاییز ۱۳۷۷ش.
۱۵. حدیدی، احمد محمود، مطالعات قرآنی در آلمان (انگیزه‌ها و دستاوردها)، ترجمه و تلخیص سعید زعفرانی‌زاده، اندیشه صادق، شماره ۱۵.

۱۶. خسرو شاهی، سید هادی، ترجمه قرآن به زبان‌های اورپایی، کیهان اندیشه، شماره ۲۸، بهمن و اسفند ۱۳۶۸ ش.
۱۷. السفیانی، عابدین محمد، و من تابعهم و موقفهم من ثبات الشریعه و شمولها، السعودیه: دارالمنایره، الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. صواف، محمد محمود، نقشه‌های استعمار در مبارزه با اسلام، تهران: موسسه مطبوعاتی فراهانی، ۱۳۴۶ ش.
۱۹. طباطبایی، مصطفی حسینی، ۱۳۷۵ ش، نقد آثار خاورشناسان، تهران: انتشارات چاپخش، تهران.
۲۰. عوفی، محمد سالم، گفتاری پیرامون چاپ قرآن کریم در برخی از کشورها، حسین علینقیان، آموزش قرآن، شماره ۲، بهار ۱۳۸۲ ش.
۲۱. فلاورز، سارا، اصلاحات، رضا پارسایی، تهران: ققنوس، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۴ ش.
۲۲. کریمی‌نیا، مرتضی، قرآن در عصر اصلاح طلبی و نواندیشی (مروری بر کتاب هارتموت بوبتسین)، ترجمان وحی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۱ ش.
۲۳. کورن/دی، نیوو، رویکردهای روشمند به مطالعات اسلامی، ترجمه شادی نفیسی، پگاه حوزه، شماره ۱۱۴، بهمن ۱۳۸۷ ش.
۲۴. گفت‌وگو با مرتضی کریمی‌نیا، روزنامه اطلاعات، ۱۶ فروردین ۱۳۸۸ ش.
۲۵. المقدادی، فواد کاظم، الاسلام و شبهات المستشرقین، قم: المجمع العالمی لأهل البیت، ۱۳۱۶ ق.
۲۶. المنجد، صلاح الدین، المستشرقون الألمان، بیروت: دار الکتب الجدید، ۱۹۷۸ م.
۲۷. زقزوق، محمود حمدی، الاستشراق و الخلفیه الفکریه للصراع الحضاری، قاهره: دارالمعارف، بی‌تا.
۲۸. مطهری، شهید مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری (ج ۲۴)، ۱۳۸۳ ش.
۲۹. مونتگمری وات، ویلیام، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، محمد حسین آریا، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۳۰. موتسکی، هارالد، جمع و تدوین قرآن (بازنگری در دیدگاه‌های غربی در پرتو تحولات جدید روش شناختی)، مرتضی کریمی‌نیا، هفت آسمان، شماره ۳۲.
۳۱. معارف، مجید، بررسی و نقد آراء بلاشر در باره جمع و تدوین قرآن، قرآن و مستشرقان، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵ ش.

۳۲. الویری، محسن، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت، ۱۳۸۱ش.
۳۳. الویری، محسن، رویکردهای نو در شرق‌شناسی، اندیشه صادق، شماره ۱۵.
34. Bobzin, Hartmut, Pre-1800 Preoccupations of Quranic Studies, Encyclopedia of the Quran, Vol 4, Lieden.
35. Bobzin, Hartmut, Translation of the Quran, Encyclopedia of the Quran, Vol 5, Lieden
36. Butler, Alban, Lives of the Saint, Benziger bros, 1894.
37. Ghezzi, Bert, Voices of the Saint, Loyola press.
38. Manuel Garcia, Osuna, Cordova, The Catholic Encyclopedia, Vol 4, New York 1908.
39. Quran, The Encyclopedia Britannica, Vol 15, Chicago University 1974.
40. Scholler, Marco, Post-Enlightment Academic Study of the Quran, Encyclopedia of the Quran, Vol 4, Lieden.